



An Empirical Examination of the Stages of Faith Cognition Development among Young Adults Aged 18–24

Mahmoud Nozari¹, Sajjad Zat-Mohammad-Ali (Mohammadi)²

¹ Department of Educational Sciences, Research Institute of Hawzah and University,
Qom, Iran. Mnowzari@rihu.ac.ir

² M.A., Department of Educational Sciences, Tolou-e-Mehr University, Qom, Iran
(Corresponding author). sajad.zat@gmail.com

Abstract

This study aimed to quantitatively and qualitatively examine the development of faith cognition among Iranian Muslim young adults aged 18–24 across two dimensions-religious cognition and religious meaning-making- based on Nowzari's (2010) framework. A cross-sectional developmental research design was employed. The statistical sample consisted of 118 male participants aged 18–24 who held positive attitudes toward religion in Dezful, Iran. Participants were selected through random sampling and studied using semi-structured interviews. Data were scored on a four-point developmental scale and analyzed using analysis of variance (quantitative analysis) and qualitative content analysis. The findings indicated that the development of faith cognition across this age range was neither continuous nor uniform, with fluctuations observed in the mean scores across different age groups. Qualitative analysis further confirmed that all developmental stages were simultaneously present across the different age groups. Although some participants had achieved a high degree of religious stability, variations in mean scores across age groups suggested relative stability rather than complete consolidation. Moreover, increasing age was not directly associated with the development of faith cognition. In the dimension of religious cognition, the conventional/reasoning stage had the highest frequency, while weaknesses in advanced reasoning were evident. In the dimension of religious meaning-making, half of the participants were classified at the incomplete stage, and explanations concerning the purpose of creation were predominantly conventional and imitative. Overall, the findings suggest that the consolidation of faith is not fully achieved during early adulthood and remains subject to challenges such as developmental fluctuations, limited cognitive internalization, and insufficient depth of religious meaning-making. These findings highlight the need to design educational interventions aimed at strengthening reasoning abilities and deepening religious meaning-making among young adults in this age group.

Keywords: Development, Faith in God, Faith cognition, Religious cognition, Religious meaning-making, Young adults, Dezful.

Received: 2026/02/12 ; **Revised:** 2026/04/28 ; **Accepted:** 2026/05/17 ; **Published online:** 2026/10/02

Cite this article: Nozari, M. & Zat-Mohammad-Ali (Mohammadi), S. (2026). An Empirical Examination of the Stages of Faith Cognition Development among Young Adults Aged 18–24. *Research Quarterly of Islamic Education and Training*, 7(3), p. 57-78. <https://doi.org/10.48310/riet.2026.20317.1496>

Publisher: Farhangian University

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Article type: Research Article

©2026/authors retain the copyright and full publishing rights



بررسی تجربی مراحل تحول شناخت ایمانی (۱۸ تا ۲۴ سالگی)

محمود نوذری^۱، سجاد ذات محمدعلی (محمدی)^۲

^۱ گروه علوم تربیتی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. Mnowzari@rihu.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد، گروه علوم تربیتی، دانشگاه طلوع مهر، قم، ایران (نویسنده مسئول).

sajad.zat@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی کمی- کیفی تحول شناخت ایمانی در دو بُعد «شناخت دینی» و «معنابخشی دینی» در جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله مسلمان ایرانی، براساس چارچوب نوذری (۱۳۸۹) انجام شده است. روش تحقیق، تحولی مقطعی بوده و نمونه آماری شامل ۱۱۸ مرد با نگرش مثبت به دین در شهر دزفول بودند که با روش تصادفی انتخاب و با مصاحبه نیمه ساختاریافته مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها براساس مراحل تحول، در طیف ۱ تا ۴ نمره‌گذاری و با تحلیل واریانس (کمی) و تحلیل محتوای کیفی بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد روند تحول ایمان در این بازه سنی، پیوسته و یکنواخت نیست و نوساناتی در میانگین نمرات سنین مختلف مشاهده می‌شود. تحلیل کیفی نیز تأیید کرد که همه مراحل تحول به‌طور همزمان در تمام سنین حاضر هستند. هرچند برخی از افراد، به ثبات کامل دینی دست یافته‌اند، ولی شدت و ضعف در میانگین نمرات سنین مختلف حاکی از ثبات نسبی و عدم تثبیت نهایی است. همچنین افزایش سن رابطه مستقیمی با تحول شناخت ایمانی نداشت. در بُعد شناخت دینی، بیشترین فراوانی متعلق به مرحله عرفی/استدلالی بوده و ضعف در استدلال‌های پیشرفته مشهود بود. در بُعد معنابخشی، نیمی از افراد در مرحله ناقص قرار داشتند و تبیین هدف خلقت عمدتاً عرفی و تقلیدی بود. در نتیجه، فرآیند تثبیت ایمان در آغاز جوانی کامل نشده و با چالش‌هایی مانند نوسانات تحولی، ضعف درونی‌سازی شناختی و عدم تعمیق معنابخشی مواجه است. این امر لزوم طراحی مداخلات آموزشی برای تقویت تفکر استدلالی و تعمیق معنابخشی در این سنین را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: تحول، ایمان به خدا، شناخت ایمانی، شناخت دینی، معنابخشی دینی، جوانان، شهر دزفول.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۳؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۷/۱۰

استاد به این مقاله: نوذری، محمود؛ ذات محمدعلی (محمدی)، سجاد (۱۴۰۵). بررسی تجربی مراحل تحول شناخت ایمانی (۱۸ تا ۲۴ سالگی).

پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۷(۳)، ص ۵۷-۷۸. <https://doi.org/10.48310/riet.2026.20317.1496>

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه فرهنگیان

©۱۴۰۵/نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



مقدمه

زندگی دینی انسان در طول عمر، شامل تغییرات در باورها، احساسات و رفتارهای دینی است که از زمان تولد تا پیری ادامه می‌یابد. با بزرگ‌تر شدن، درک فرد از آموزه‌های دینی پیچیده‌تر و منسجم‌تر می‌شود و احساساتی مانند محبت، امید، ترس، آرامش، امنیت و اعتماد در کسانی که به دنبال رشد ایمان هستند، عمیق‌تر می‌گردد. رفتارهای دینی، چه کمّی مانند تعداد دفعات حضور در اماکن مقدس و چه کیفی مانند لذت بردن از عبادات، دچار تحول شده و برای بعضی افراد به نوعی شیوه زندگی پارسایانه تبدیل می‌شوند. بعضی جنبه‌های دینداری نیز نسبت به سایر جنبه‌ها ثبات بیشتری دارند. در سده اخیر، روان‌شناسان تحولی در حوزه ایمان به خدا به مطالعه فرآیندهای تغییر در ابعاد ایمانی، در طول زندگی انسان پرداخته و تغییرات شناختی، احساسی و نتایج آن را توضیح داده‌اند. نتیجه این پژوهش‌ها منجر به شکل‌گیری نظریه‌ها و تئوری‌های متعددی شده است (نوذری، ۱۴۰۰). علامه طباطبایی یکی از متفکران شیعی بر این عقیده است که ایمان به معنای گره خوردن قلب به یک حقیقت مشخص و تسلیم در برابر آن می‌باشد. از نظر ایشان، ایمان شامل سه مؤلفه اصلی علم و شناخت، سکون و اطمینان (گره خوردن قلب به مدلول حقیقت) و التزام عملی است (طباطبایی، ۱۳۶۴). علامه طباطبایی تأکید می‌کند که علم به تنهایی برای رسیدن به ایمان کافی نیست و باید با اطمینان قلبی و عمل همراه باشد. وی به آیاتی از قرآن اشاره می‌کند که نشان می‌دهد علم بدون عمل می‌تواند به کفر و انکار منجر شود. برای مثال، آیه ۱۴ سوره نمل «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا»، اشاره به این نکته دارد که علم به خدا می‌تواند با ارتداد، کفر، انکار و گمراهی همراه باشد (طباطبایی، ۱۳۶۴). پایه ایمان شناخت است؛ و شناخت اصول اعتقادی، نقشی اساسی در ایجاد و استمرار ایمان دارد. با توجه به اینکه ایمان یک عمل اختیاری است، رسیدن به آن بدون شناخت و معرفت ممکن نیست (مصباح، ۱۳۸۷). از این‌رو، در صورتی ممکن است به چیزی ایمان آورد که اصول شناختی آموزه‌ها یا ادعاهای آن پایدار باشد. بر همین اساس متون اسلامی، ما را به تعقل، تفکر و تدبّر دعوت می‌کنند. عقلانیت، تدبّر و تفکر، رسیدن به ایمان دینی را هموار می‌سازد (حسین‌زاده، ۱۳۸۹). شناخت ایمانی، ناظر به تلاشی برای کشف عقلانی و ایجاد ارتباط مفهومی با ذات الهی است که در قالب یک نظام اعتقادی و معنایی منسجم شکل می‌گیرد. این نظام برآمده از تأمل و تعقل در نشانه‌های الهی بوده و مشتمل بر نوعی آگاهی سازمان‌یافته از جایگاه خداوند، خویشستن و جهان‌هستی است. دستاورد محوری این نظام فکری، تعیین مبدأ، معاد و ترسیم برنامه عملی زندگی فرد است. دستیابی به این ساختار اعتقادی طی فرآیندی تدریجی حاصل می‌شود که مراحل شناخت، ارزش‌گذاری، گزینش آگاهانه و در نهایت ایجاد تعهد را شامل می‌شود (نوذری، ۱۳۸۹). دوره آغاز جوانی (۱۸ تا ۲۴ سالگی)،

از منظر تحولی، به عنوان مرحله بلوغ شناختی و دوره تفکر انتزاعی تلقی می‌گردد. این مقطع، حیاتی‌ترین زمان برای گذار از باورهای تقلیدی به باورهای خودانتخابی و استدلالی است و فرد به اوج توانایی خود در نقد، تحلیل و سازماندهی منطقی جهان‌بینی می‌رسد. از این‌رو، شناخت ساختار تحول معرفتی که زیربنای ایمان را تشکیل می‌دهد، از اهمیت حیاتی برخوردار است. با توجه به اهمیت و تأثیر ایمان به خدا، لازم است که ابعاد و فرآیند تحول آن در گروه‌های سنی مختلف مورد بررسی قرار گیرد و این امر نیازمند انجام تحقیقات بنیادی و تجربی است. از سویی می‌توان ایمان را در چهار بُعد شناختی، معنابخشی، عاطفی و التزامی مورد بررسی قرار داد. پژوهش حاضر درصدد تبیین چگونگی تحول در دو حوزه شناختی و معنابخشی دینی است. بُعد شناخت دینی بر مبانی استدلالی و معرفتی تمرکز دارد؛ این بُعد شامل درک عقلانی از خداوند و صفات او، و نیز فهم نوع رابطه انسان با خالق و چگونگی رابطه خدا با هستی است. در مقابل، بُعد معنابخشی دینی بر تبیین غایت و هدف وجودی متمرکز بوده و شامل درک هدف خداوند از خلقت انسان و جهان، آگاهی از تکالیف و انتظارات الهی در زمینه چگونه زیستن و اطلاع از سرانجام و غایت نهایی انسان می‌باشد.

تحقیقات متنوعی در زمینه تحول ایمانی در مراحل مختلف زندگی مانند کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی انجام شده است. اندیشمندانی همچون گلدمن^۱ (۱۹۶۴)، الکایند و همکاران^۲ (۱۹۷۰)، فولر^۳ (۱۹۸۱)، کلر و همکاران^۴ (۲۰۰۲)، جنیا^۵ (۱۹۹۵)، نقل از: جان بزرگی، (۱۳۸۶) و همچنین کلدن و فیسر-لیشترفلد^۶ (۲۰۰۶) نظریاتی در این زمینه ارائه کرده‌اند. هر یک از این روان‌شناسان تحول دینداری را از منظر تحول ایمان به خدا در سنین مختلف مورد مطالعه قرار داده و به نتایج قابل توجهی دست یافته‌اند. این پژوهشگران به مدل تحول سنی توجه ویژه‌ای داشته و تغییرات ایمان به خدا را با افزایش سن مرتبط می‌دانند. نودری (۱۳۸۹)، که به بررسی تحقیقات حوزه روان‌شناسی تحول دینداری در ایران پرداخته است، بر این باور است که ایمان در آغاز جوانی به صورت استدلالی، خودمختارانه و با ثبات نسبی شکل می‌گیرد. در این مرحله، ایمان اولیه‌ای که در دوره نوجوانی تکوین یافته، مورد بازسازی قرار خواهد گرفت. در پایان این دوره، فرد به امکانات شناختی، عاطفی و هیجانی لازم برای شناخت خدا و

1. Goldman

2. Elkind

3. Fowler

4. Clore

5. Genia

6. Kladden & Lichterfeld

دستیابی به یک جهان‌بینی الهی مجهز می‌شود و تجربه احساس ایمان و عمل براساس انگیزه‌های درونی را به دست می‌آورد. این دوره، برخلاف دوران نوجوانی، دارای جهان‌بینی الهی شفاف، صریح و پایدار است. در این مرحله، فرد با توجه به نظرات خانواده و جامعه، ایمان شخصی خود را انتخاب می‌کند و انگیزه‌های ایمانی بیرونی جای خود را به انگیزه‌های درونی می‌دهد. حیدری (۱۳۹۵) براساس نتایج نوزدی (۱۳۸۹)، مسئله ایمان به خدا را در دامنه سنی ۷ تا ۱۷ سال مورد مطالعه قرار داد. پس از دسته‌بندی آزمودنی‌ها در چهار گروه سنی، مشخص شد که ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان مسلمان ایرانی در شهر قم، در مراحل مختلفی از حسی و مادی، مفهومی آموخته‌شده، انتزاعی سطح اول و انتزاعی کامل قرار دارد. نتایج نشان داد که در طول این سنین، تحول ایمان به خدا به صورت صعودی و با اختلاف معنادار در هر گروه سنی رخ می‌دهد. این پژوهش، با اتکاء به چارچوب نظری نوزدی (۱۳۸۹) و با تحلیل نظریه‌های فولر و فیسر-لیشترفلد، تحول شناخت ایمانی به خدا را در دو بُعد «شناخت دینی» و «معنابخشی دینی» در جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله مورد بررسی تجربی (کمی-کیفی) قرار داده است. علی‌رغم پیشینه تحقیقاتی موجود، تمرکز این مطالعه بر این بازه سنی خاص، آن را به عنوان پژوهشی نو و بدیع در حوزه روان‌شناسی تحول دینداری متمایز می‌سازد.

۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر در زمینه مطالعات تحولی و به‌صورت یک طرح تحقیق مقطعی انجام شده است. روش تحولی مقطعی، داده‌ها را از گروه‌های سنی مختلف در یک زمان واحد جمع‌آوری می‌کند. هدف از این روش، مقایسه میانگین‌ها برای استنباط تفاوت‌های تحولی، بدون نیاز به پیگیری افراد در طول سال‌ها است (سرمد و دیگران، ۱۳۸۷). جامعه آماری تحقیق، مردان ۱۸ تا ۲۴ ساله شهر دزفول با نگرش مثبت به اسلام، که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی، ۱۱۸ نفر در شش گروه سنی متولدین ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ (هر گروه تقریباً ۲۰ نفر) انتخاب شدند. تحول ابعاد دینداری تنها در افرادی که نگرش مثبت به دینداری دارند، قابل اندازه‌گیری است. افرادی که نگرش منفی به دینداری داشته، یا تجربه دینداری ندارند، تحولی در حوزه شناخت و معنابخشی دینی نخواهند داشت. بنابراین، بررسی تجربی تحول در حوزه شناخت و معنابخشی دینی صرفاً در افرادی که نگرش مثبت و تجربه دینداری دارند، امکان‌پذیر است. کاسگرو^۱ (۱۹۸۸) تدوین یک الگوی علمی برای تحول دینی را مستلزم ترکیبی از الزامات عملی و اصلاحات بنیادین روش‌شناختی می‌داند. وی تأکید می‌کند که «الگوی مسیحی تحول دینی» باید علاوه بر رعایت

دقیق الزامات روش‌شناختی، از مفروضات غالب سکولاریستی، لادری‌گرایانه و طبیعت‌گرایانه تهذیب گردد. به جای این مفروضات، کاسگرو پیشنهاد می‌کند که الگوی جدید باید بر مفروضات مبتنی بر کتاب مقدس استوار شود. این رویکرد، طراحی یک مدل روان‌شناختی است که بر مطالعه دقیق افرادی متمرکز باشد که دارای باور اصیل به امر الهی، ماوراءالطبیعه و الهام بودن کتاب مقدس هستند.

جدول ۱- سوالات مولفه‌های شناخت ایمانی

می‌تونی بگی خدا چه‌جور موجودیه؟ شبیه چیه؟ چه شکلیه؟
آیا خداوند از همه چیز خبر داره؟ مثلاً از چه چیزهایی خبر داره؟ اگر درمیان یک جنگل تاریک در میانه یک غار باشید، هر کاری بکنید، خدا می‌فهمه؟ (خدا چه‌جوری به همه چیز علم داره؟)
خدا هر کاری بخواد می‌تونه بکنه؟ مثلاً چه کارهایی می‌تونه بکنه؟ می‌تونه هر چیز رو که بخواد درست کنه؟ مثلاً می‌تونه کاری کنه که درخت‌ها به جای میوه، سکه طلا بدن؟ خدا چه‌طوری می‌تونه هر کاری که بخواد انجام بده؟ (خدا چه‌جوری قدرت انجام هر کاری رو داره؟)
خدا همه‌جا هست؟ چه‌جوری؟ این رو از کجا می‌گی؟ چه‌جور می‌شه خدا هم اینجا باشه و هم همه‌جا؟
به نظر تو خدا در زندگی ما چه نقشی ایفا می‌کنه؟ دیگه چه نقشی (خدا برای ما انسان‌ها چه کارها کرده یا می‌کنه؟ دیگه چه کاری؟)
به نظر تو ما برای چی آفریده شده‌ایم؟ این رو از کجا می‌گی؟ یکی از دانش‌آموزها می‌گفت ما همین‌جوری آفریده شده‌ایم و هدفی در زندگی نداریم. تو چه نظری داری؟ چرا؟ یکی می‌گفت، خدا ما را آفریده تا در همین دنیا زندگی سعادت‌مندانه داشته باشیم. نظر تو چیه؟ چرا؟
برای اینکه به این هدف که گفتی برسیم، خدا چه کار کرده؟ راهی مشخص کرده یا نه؟ گفته که ما چه کار بکنیم؟ چه‌جوری زندگی کنیم؟
این‌طوری زندگی کنیم که چی بشه؟ (چرا باید این‌طور زندگی کنیم؟) اگه این‌طور زندگی نکنیم چی می‌شه؟ این‌ها رو از کجا می‌گی؟

۲. ابزار پژوهش

با توجه به ماهیت تحولی مطالعه حاضر، گردآوری داده‌ها با استفاده از روش بالینی و به‌کارگیری مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته انجام شد. مصاحبه به‌عنوان مؤثرترین روش برای بررسی انگیزه‌ها، احساسات و نگرش‌های افراد شناخته می‌شود؛ زیرا این روش امکان برقراری تماس مستقیم با مصاحبه‌شوندگان را فراهم می‌کند و به ارزیابی عمیق‌تری از ادراک‌ها، علایق و آرزوهای آزمودنی‌ها می‌انجامد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۷). با استناد به تعریف علامه طباطبایی از ایمان، مولفه‌های شناختی و معنابخشی دینی به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی انتخاب شدند. پس از بررسی‌ها، ۸ سؤال جهت بررسی بُعد شناخت دینی و معنابخشی دینی مشخص گردید. این سوالات به صورت سوال بازپاسخ در جدول (۱) مشخص شده‌اند. مصاحبه‌ها در سه مرحله به داوری گذاشته شد و در هر مرحله یک نمره شناختی و یک نمره معنابخشی به هر مصاحبه‌شونده اختصاص یافت. نمرات در یک سیر صعودی از نمره (۱ تا ۴)، چگونگی مولفه‌های

شناختی و معنابخشی هر شخص را مورد سنجش قرار داد. برای تحلیل کیفی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، از روش تحلیل محتوا به همراه مقوله‌بندی و کدگذاری مفاهیم و مؤلفه‌ها استفاده گردید. در بخش کمی پژوهش، ابتدا مشخصه‌های آماری توصیفی مجموعه داده‌های پرسشنامه‌ها با استفاده از روش‌های متداول آمار توصیفی تعیین شدند. در مرحله ارزیابی ابزارهای سنجش، ضریب اعتبار (پایایی) ابزار از طریق ضریب همبستگی درون‌طبقه‌ای^۱ برآورد شد. علاوه بر این، به منظور تعیین ساختار عاملی مدل پژوهش و روایی سازه مؤلفه‌ها، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. برای بررسی روایی درونی مؤلفه‌ها و میزان ارتباط آن‌ها با یکدیگر نیز ضریب همبستگی پیرسون محاسبه گردید. در نهایت، جهت انجام تحلیل استنباطی و مقایسه میانگین‌های گروه‌های سنی مورد مطالعه در مؤلفه‌ها و متغیرهای پژوهش، از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد.

نمرات مؤلفه شناخت دینی با توجه به افزایش شناخت دینی به شرح زیر تنظیم گردید:

- نمره (۱): «شناخت عرفی» به عنوان ابتدایی‌ترین سطح شناخت معرفی می‌شود که در آن پاسخ‌ها عمدتاً تقلیدی، کلیشه‌ای و فاقد هرگونه استدلال‌اند و مصاحبه‌شونده تفسیر مشخصی از علم و قدرت الهی ارائه نمی‌دهد.

- نمره (۲): «شناخت عرفی / استدلالی» مرحله‌ای است که فرد تلاش می‌کند با ادله‌ای ساده، شناخت خود را درونی‌سازی کند، اما همچنان متأثر از شناخت عرفی است و از تشبیهات کلی برای توصیف خداوند، علم و قدرت او بهره می‌گیرد.

- نمره (۳): «شناخت استدلالی سطح اولیه»، نخستین سطح شناخت استدلالی محسوب می‌شود؛ در این مرحله مصاحبه‌شونده با دقت بیشتری پاسخ داده و از استدلال‌هایی هرچند ناقص برای اثبات باور خود استفاده می‌کند. خداوند در این سطح موجودی مجرد، نامحدود و واجد علم و قدرت مطلق دانسته می‌شود، اما تبیین‌ها هنوز انسجام و عمق کافی ندارند.

- نمره (۴)، کامل‌ترین سطح شناخت است که در آن باور به خداوند به صورت کاملاً مستدل و درونی‌شده شکل گرفته است. در این مرحله، خداوند موجودی مجرد از ماده، زمان و مکان تلقی شده و صفات ثبوتیه او به صورت مطلق، با استناد به براهین عقلی معتبر، تبیین می‌شود.

نمرات مؤلفه معنابخشی دینی با توجه به افزایش معنابخشی دینی به شرح زیر تنظیم گردید:

- نمره (۱): «فقدان معنابخشی دینی» مرحله‌ای است که فرد فاقد هرگونه نظام معنایی منسجم است و نقش خداوند و هدف آفرینش انسان را یا انکار می‌کند یا ناتوان از تبیین آن است. در این سطح، عالم و

زندگی انسان بی هدف تلقی شده و هیچ برنامه الهی برای هدایت بشر پذیرفته نمی شود.

- نمره (۲): در «معنابخشی عرفی/ کلیشه‌ای (تقلیدی)»، مصاحبه‌شونده نقش خداوند را به طور کلی می پذیرد و از مفاهیم کلیشه‌ای مانند «خالق»، «کمال» و «عبادت» استفاده می کند، اما فاقد انسجام فکری و تفسیر دقیق از هدف خلقت و نتایج آن است. اگرچه وجود برنامه الهی انکار نمی شود، اما ایده‌ای منسجم از مسیر و غایت زندگی ارائه نمی گردد.

- نمره (۳): نشان‌دهنده «معنابخشی دینی ناقص» است که در آن انسجام نسبی دیده می شود. فرد خداوند را هستی‌بخش و هدایت‌کننده می داند و زندگی را هدفمند تلقی کرده و به اهدافی مانند عبادت، کمال، سعادت و آزمایش اشاره می کند. با این حال، تبیین ارتباط میان پیروی از دین و پیامدهای آن همچنان با ابهام همراه است.

- نمره (۴): «معنابخشی دینی کامل و رشدیافته» مرحله‌ای است که انسجام منطقی روشنی میان نقش خداوند، هدف آفرینش انسان از جمله رسیدن به کمال و تقرب الهی در مسیری الهی وجود دارد و دین به عنوان تنها راه دستیابی به کمال و تقرب الهی معرفی می شود.

۳. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش به دو بخش کمی و کیفی تقسیم می شود. در بخش کیفی، سیر تحول شناخت و معنابخشی دینی در گروه‌های سنی بررسی، و آزمودنی‌ها در مراحل چهارگانه طبقه‌بندی شدند. در بخش کمی، با آمار توصیفی و تحلیل واریانس، تفاوت و همگونی میانگین‌ها تحلیل گردید.

۳-۱. یافته‌های کیفی مؤلفه شناخت دینی

در این بخش، به تحلیل کیفی داده‌های شناخت دینی پرداخته و چهار مرحله کلیدی آن مورد بررسی قرار می گیرد. این مراحل شامل شناخت عرفی، شناخت عرفی/ استدلالی، شناخت استدلالی در سطح اولیه و شناخت استدلالی در سطح پیشرفته هستند.

مرحله اول (شناخت عرفی): «شناخت عرفی» ضعیف‌ترین سطح در میان مراحل چهارگانه شناخت دینی بوده و یافته‌ها نشان می دهد که حدود یک‌سوم آزمودنی‌ها در این مرحله قرار دارند. باورهای دینی این افراد عمدتاً متأثر از والدین یا محیط اجتماعی بوده و فاقد استدلال منطقی شخصی است. به عنوان نمونه، آزمودنی «الف» بدون تأمل مفهومی، از اندیشیدن درباره ذات خداوند پرهیز کرده و علم، قدرت و همه‌جا بودن خداوند را بدیهی و بدون ارائه دلیل می پندارد. این یافته‌ها بیانگر سطحی بودن و غیرمستدل بودن شناخت دینی در مرحله شناخت عرفی است.

مرحله دوم (شناخت عرفی / استدلالی): «شناخت عرفی / استدلالی» مرحله‌ای تلفیقی از باورهای عرفی و استدلال‌های ابتدایی است که بیشترین فراوانی را داشته و بیش از نیمی از آزمودنی‌ها در این سطح از شناخت دینی قرار گرفتند. به عنوان نمونه آزمودنی «ب» بدین صورت پاسخ داد:

● در پاسخ به سوال چيستی خداوند: «خدا واسه من تقريباً اينه که يه قدرت والای هست که تسلط داره و خواسته‌اش مهمه. يه نیروی که مقدر خواسته همچین جهانی و من رو که همچین فردی باشم و اینکه تو مسیر زندگی ام کمکم کنه تا موفق باشم. پیش خودم يه قدرت مطلق یک نور. نوری که در عین حال که قدرت و آرامش رو ازش می‌گیری و میدونی که متفاوت با هرچی هست که درک کردی».

● در پاسخ به سؤالاتی در رابطه با علم و قدرت خداوند: «الان من چیزی خلق کنم. يه ربانی مثلاً که هوش محدودی داره، آیا اون فکر می‌کنه که من نمی‌تونم روش نظارت داشته باشم؟ حالا خدا هم اینگونه هست. خدایی که تونسته این همه سیارات و... رو درست کنه، قطعاً علمش خیلی بیشتر از اینهاست».

● در پاسخ به همه‌جا بودن خداوند: «خدا که يه فرد یا يه جرم نیست؛ مثل من که پوست و استخوان دارم و محدود هستم که نیست».

مرحله سوم (شناخت استدلالی سطح اولیه): «ایمان استدلالی سطح اولیه» سومین مرحله شناخت دینی است که با تحلیل منطقی باورها همراه است، اما تعداد اندکی از آزمودنی‌ها به این سطح رسیده‌اند که بیانگر دشواری تفکر استدلالی دینی است. پاسخ‌های آزمودنی «ج» بدین شرح است:

● «شخصی که وجود رو به وجود آورده، قطعاً ما نمی‌تونیم درکش کنیم، چون ما مخلوقش هستیم، ماهیتش مثال گل معروفی هست که تو ذهنمون تصورش می‌کنیم و اینها. جنسش حقیقتاً زندگی خالص هست، یعنی حیات مطلق».

● «همه این سؤالات برمی‌گردن به اینکه واجب الوجوده و اصلاً وجودش از خودش بوده و کسی به وجودش نیاورده و درواقع خالق مطلق هست و خالق واجب الوجود همه کاری می‌تونه بکنه؛ البته ما هم به واسطه خلقتی که داشتیم، می‌تونیم چیزی خلق کنیم، ولی واجب الوجود اصلی قضیه‌اش فرق می‌کنه، اون هرچی بخواد می‌تونه در کسری از ثانیه بسازه یا نابود کنه؛ در واقع کن‌فیکون کنه».

● «خدا همه چیز هست و اینجور نیست که چیزی بین این چیزا باشه؛ اصلاً خدا همه چیزه و وجود، همون خداست و نمی‌تونیم بگیم خدا در یه مکان خاصی باشه، یا بگیم همه‌جا باشه یا نباشه و اگه بگیم همه‌جا هست، محدودیت ایجاد کردیم».

مرحله چهارم (شناخت استدلالی سطح پیشرفته): این مرحله کامل‌ترین سطح شناخت دینی است که با استدلال مستحکم و تفکر انتقادی همراه بوده، اما کمترین فراوانی را دارد و تنها چهار آزمودنی به این

سطح دست یافته‌اند. در ادامه به پاسخ‌های آزمودنی «د» که در این مرحله قرار داشت، اشاره می‌شود:

● در پاسخ به سوال چیهستی خداوند: «ماهیت رو که نمی‌تونم بگم، ولی با صفاتش می‌گم. خدایی که ازلی و ابدی و توسط کسی خلق نشده و فوق قدرت‌هاست و همه چیز برا به وجود اومدن به اراده ایشون نیاز داره، شبیه چیزی نیست و شکل نداره».

● در پاسخ به سوالاتی در رابطه با علم و قدرت خداوند: «باید بگیم که خدا هست و برای ثابت کردنش باید بگیم که ما ممکن‌الوجودیم و باید به واجب‌الوجودی باشه که ما رو خلق کرده باشه که این خودش به سیری داره. ما از مادر او از مادر تا بالاتر و جایی میره که با عدم تسلسل، به به وجود فرامادی می‌رسیم که همه چیز از او خلق شده. خب این موجود فرامادی باید وجودی باشه که به کم و کیف همه چیز واقف باشه، مثل هر سازنده‌ای که به ساخته‌اش علم کامل داره. خدا هم اشراف کامل به همه موجوداتش داره».

● در پاسخ به همه‌جا بودن خداوند: «خدا همه جا هست، چونکه محاط به عالمه. رابطه ما محاط و محیطه. خداوند ماده نیست که محدود باشه. ماده تو چارچوب‌های مادی و فیزیکی خودش قرار داره، ولی خدا به فراماده‌ای است که ورای همه چیز است».

۳-۱-۱. تحلیل یافته‌های کیفی شناخت دینی

تحلیل کیفی مصاحبه‌ها نشان داد که تحول شناخت دینی در این مقطع سنی پیوستگی مرحله‌ای ندارد و سطوح مختلف تحول (نمرات ۱ تا ۴) به‌طور همزمان در همه سنین مشاهده می‌شود. نوسان نمرات بیانگر ثبات نسبی و قرارگیری افراد در مسیر تحول است، نه دستیابی به مرحله نهایی تثبیت‌شده. در بُعد شناخت خداوند، تمامی شرکت‌کنندگان او را موجودی غیرمادی و نامحدود دانستند و بر علم و قدرت نامحدودش تأکید کردند. استدلال غالب این بود که خداوند که جهان را با این عظمت آفریده، توانایی و دانش نامحدودی نسبت به هر چیز دارد، هرچند برخی در تبیین دقیق آن ناتوان بودند.

۳-۲. یافته‌های کیفی مؤلفه معنابخشی دینی

در این بخش به تحلیل کیفی داده‌های مرتبط با معنابخشی دینی پرداخته شده و این فرایند در چهار مرحله مورد بررسی قرار گرفته است. این مراحل به ترتیب عبارتند از فقدان معنابخشی دینی، معنابخشی عرفی/کلیشه‌ای یا تقلیدی، معنابخشی دینی ناقص و در نهایت معنابخشی دینی کامل و رشدیافته.

مرحله اول (فقدان معنابخشی دینی): فقدان معنابخشی دینی، نخستین مرحله از چهار مرحله معنابخشی دینی است. در این مرحله، فرد هیچ نظام معنایی در نقش و اهداف خداوند برای بشریت نمی‌بیند و حتی امکان وجود پاسخ به این پرسش‌ها را انکار می‌کند. حدود ۲۰ درصد از آزمودنی‌ها در

این مرحله قرار داشتند. به عنوان نمونه آزمودنی «ج» در پاسخ به نقش خداوند در زندگی بشر، گفت: «واقعاً سوال عجیبی هست، خدا نیازی به ما نداشته، نمی‌دونم برای چی ما رو آفریده». در رابطه با سؤال از هدف آفرینش نیز اینگونه پاسخ داد: «سن بالاها به ما میگن که این دنیا زودگذره و جوونا فکر میکنن که همش این دنیاست و من بین دو راهی گیر افتادم که نمی‌دونم این دنیا رو بگیرم یا اون دنیا رو». این آزمودنی در مورد سؤال از برنامه خداوند برای خلقت خود گفت: «بله، راهی گذاشته، ولی خیلی سخته. نماز و روزه. راهش دینه. الانم دین اسمش بد در رفته». در نهایت سؤال از نتیجه عمل به دستورات الهی و عدم آن را اینگونه پاسخ داد: «راه رو مشخص کرده و راه رسیدن بهش رو توی قرآن گفته و شما وقتی دینت قوی باشه، می‌تونی راه رسیدن رو پیدا کنی. ولی به نظرم کسی که از نظر مادی ضعیف باشه، نمی‌تونه اون مسیر رو درست بره. اونی که خیلی فقیر باشه، دیندار نمیشه، خیلی دیدم اینجوری. اگه دیندار نباشه، آخرتی نداره دیگه».

مرحله دوم (معنابخشی عرفی/اکلیشه‌ای یا تقلیدی): در مرحله معنابخشی عرفی/اکلیشه‌ای یا تقلیدی، افراد به معنابخشی تقلیدی رسیده‌اند و در گفتگوهای خود از مفاهیم کلیشه‌ای و آماده استفاده می‌کنند، بدون آنکه انسجام یا پیوستگی درونی در افکار و باورهایشان وجود داشته باشد. ۳۵ درصد از شرکت‌کنندگان در این پژوهش در این مرحله از فرایند معنابخشی دینی قرار داشتند. به عنوان نمونه آزمودنی «ح» در پاسخ به نقش خداوند در زندگی بشر گفت: «نقش خداییش رو اجرا می‌کنه، مثلاً اگه به مشکلی بریخوریم، حل می‌کنه. نه مثل پدر و مادر، بلکه مثل خدا بودن». در رابطه با سؤال از هدف آفرینش نیز اینگونه پاسخ داد: «نمی‌دونم برا چی آفریده شدیم. یه وقتی به شوخی می‌گفتیم که خدا خواسته گل بازی کنه و ما رو ساخته، ولی حتماً این شکلی نیست. مخالف بیهوده بودنم و هرچی تو هستی هست، دلیلی داشته، ولی شاید تو ذهن ما جا نمی‌شه. ولی خیلی چیزا تو دنیا هست که فکر کنم روایته که اگه بهشون فکر کنیم، دیوونه می‌شیم. قطعاً خدایی با این همه علم و حکمت، بیهوده این همه رو خلق نمی‌کنه، ولی ما نمی‌تونیم به چرایی اون برسیم». این آزمودنی در مورد سؤال از برنامه خداوند برای خلقت خود گفت: «خدا راهی مشخص کرده. شاید من نتونم راه رو پیدا کنم و انبیاء اومدن و حرفی زدن و آدم عاقل به راحتی از کنار حرفاشون رد نمیشه، و قطعاً می‌تونه راه سعادت توی حرفای اینها باشه». در نهایت آزمودنی سؤال از نتیجه عمل به دستورات الهی و عدم آن را اینگونه پاسخ داد: «برا همه چیز، هم سعادت این دنیا و هم اون دنیا. اصلاً این مسیرها حال آدم رو بهتر می‌کنه و چه چیز بهتر از این حال خوب داشتن!».

مرحله سوم (معنابخشی دینی ناقص): سومین مرحله از فرایند معنابخشی دینی، مرحله معنابخشی دینی ناقص است. در این مرحله، مصاحبه‌شونده معنابخشی نیمه‌منسجمی ارائه می‌دهد که نسبت به

مرحله پیشین، از انسجام بیشتری برخوردار است، اما همچنان با انسجام دقیق و کامل فاصله دارد. نیمی از آزمودنی‌های این پژوهش در این مرحله از مراحل معنابخشی دینی قرار داشتند.

آزمودنی «خ» در این مرحله بدین صورت پاسخ داد:

● در پاسخ به سوالی در زمینه نقش خداوند در زندگی انسان گفت: «شاید بگیم نقش کارگردان؛ ولی بیشتر از اونه؛ یعنی ما هرچی انجام می‌دیم، اول خدا خواسته و بعد ما انجام می‌دیم و اگه کلی بگیم، همه چی دست خداست، این قدرت اختیار هم دست خداست، ولی این اختیار رو ما داریم».

● همچنین هدف از آفرینش را اینگونه بیان کرد: «ماخلقت الجن والانس الی لبعبدون» هست، ولی خودم به چیزی غیر از تکامل و رشد و... به عنوان هدف نرسیدم. رشد و تکامل هدف هستند، ولی اینکه بخوام توضیح بدم، هنوز به اون درجه نرسیدم؛ یعنی به اینها باور دارم، ولی مفصل و اینکه چه ویژگی‌هایی داره رو نمی‌دونم».

● در رابطه با برنامه هدایت انسان‌ها نیز گفت: «مشخصاً بله. از اولین انسانی که خلق شد پیامبر بوده و دین آورده تا حضرت محمد(ص) که دین رو کامل کرده و قرآن و عترت رو برا ما گذاشته. بله، به صورت جزئی همه احکام را در اختیار ما گذاشته و استخراج از قرآن و روایات رو به عهده ما گذاشته».

● در پایان نیز در رابطه با سوال از همراهی و عدم همراهی برنامه الهی بیان داشت: «طبق حرفای قبل، اگه ما بخوایم زندگی رو چیزی بیشتر از مادیات ببینیم، اون بیشتر از ماده رو خودمون نمی‌تونیم درک کنیم و باید به وحی متکی باشیم و به راهی که خدا که خالق ماست باید بریم و عمر ما هم زیاد نیست که بخوایم آزمون و خطا کنیم. اگه اینطور زندگی نکنیم، زندگی ما پوچ هست و تو مادیات هیچ هدفی رو نمی‌تونیم دنبال کنیم».

مرحله چهارم (معنابخشی دینی کامل و رشدیافته): مرحله چهارم معنابخشی دینی، مرحله کامل و رشدیافته است. مصاحبه‌شونده در این مرحله، معنابخشی منسجم و هدفمندی ارائه می‌دهد و نقش خداوند، هدف آفرینش انسان و مسیر الهی را به‌طور دقیق تبیین می‌کند. در این پژوهش تنها ۷ درصد (۹ نفر) از آزمودنی‌ها به این سطح رسیده بودند.

به عنوان نمونه در ادامه به پاسخ‌های آزمودنی «پ» که نمره این مرحله را اخذ کرده، اشاره می‌شود:

● در پاسخ به سوالی در زمینه نقش خداوند در زندگی انسان گفت: «سازنده هر وسیله‌ای چه نقشی داره؟ پخشش می‌کنه، توسعه‌اش می‌ده، آبدیتش می‌کنه و پرورش می‌ده و راهنمایش می‌کنه و تا مرحله آخر تا پیش خودش می‌برده».

● همچنین وی، هدف از آفرینش را اینگونه بیان کرد: «قرآن می‌گه انسان و جن را برا عبادت آفریده و اون عبادت هم فقط که نماز نیست، بلکه از هر روش درستی که وجود داره، استفاده کنی و قلبت رو متوجه به خدا کنی. و ما برا اون نزدیک شدن آفریده شدیم.»

● در رابطه با برنامه هدایت انسان‌ها نیز گفت: «اول قلب و عقل بهت داده که با عقلت منطق و استدلال بیاری، چون اتفاق کمی نیست؛ به تو می‌گه کسی که نمی‌بینی رو بپذیر. پس مهم‌ترین وسیله برای شناخت، عقل است و علاوه بر این، انبیاء و امامان را فرستاده که ما رو هدایت کنن.»

● در پایان نیز در رابطه با سوال از همراهی و عدم همراهی برنامه الهی بیان داشت: «مثلاً آگه وسیله‌ای می‌خوری که چند تیکه هست و دفترچه راهنما داره رو در نظر بگیر که چند نکته مهم توش داره که اون وسیله کامل بشه. حالا آگه شما بگی که فلان قطعه را تو یه جایی که دلت بخواد بزاری، به اون هدف زیبای اون وسیله نمی‌رسی. خدا هم به تو یه کارایی گفته که تهش هم آگه انجام بدی، نتیجه خیلی خوبی در پیش داری. ولی آگه اینجوری زندگی نکنیم، هیچی نمیشه. البته اینکه با چه تفکری باشی، مهم هست. دو مرحله داره اون دنیاش که واضحه که نتیجه خوبی نخواهد داشت، ولی تو این دنیا بستگی داره که لذت رو توی چی می‌بینی. اگر نگاهش اینه که دنبال دنیا و لذت مادی باشی، ممکنه هیچ اتفاقی براش نیفته و زندگی راحتی داشته باشی، ولی آگه نگاهش اینه که دنبال به خدا نزدیک شدن باشی که توی دنیا هم بهش می‌رسی و می‌تونه لذت دنیوی رو هم داشته باشی.»

۳-۲-۱. تحلیل یافته‌های کیفی معنابخشی دینی

تحلیل کیفی مصاحبه‌ها در بُعد معنابخشی دینی نشان داد که دینداری در این گستره سنی از ثبات کامل برخوردار نیست. مشاهده تمامی مراحل تحول (نمرات ۱ تا ۴) در همه سنین، بیانگر ثبات نسبی و تداوم فعال فرایند تحول است و هنوز به تثبیت نهایی نرسیده‌اند. همه آزمودنی‌ها هدفمند بودن خلقت را تأیید و بیهودگی عالم را رد کردند، اما این باور عموماً به شناخت دقیق هدف آفرینش منجر نشد؛ بیشتر پاسخ‌ها کلیشه‌ای و سطحی بودند و تنها افراد معدودی تبیین روشنی ارائه دادند. در عین حال، آگاهی از برنامه هدایتی خداوند و ضمانت اجرایی فرامین الهی و خسارت عدم تمکین وجود داشت.

۳-۳. یافته‌های کمی

در این بخش به بررسی یافته‌های کمی ابعاد شناخت دینی و معنابخشی دینی پرداخته می‌شود. با استفاده از تحلیل واریانس^۱ تفاوت‌های معنادار میانگین نمرات گروه‌های مختلف بررسی می‌گردد.

همچنین رابطه متغیر سن با این ابعاد به تفصیل تحلیل خواهد شد تا درک جامعی از یافته‌های کمی و ارتباط سن با شناخت و معنابخشی دینی ارائه شود.

۳-۳-۱. یافته‌های کمی مؤلفه شناخت دینی

میانگین نمره‌های مربوط به بُعد شناختی، انحراف معیار و همچنین کمترین و بیشترین نمره‌ها به تفکیک هر گروه سنی در جدول (۲) آمده است. بُعد شناختی در چهار مرحله از ۱ تا ۴ نمره‌گذاری شده است.

جدول ۲- نمرات توصیفی بُعد شناختی

بازه سنی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	فاصله اطمینان		کمینه	بیشینه
					حد پایین	حد بالا		
۱۸-۱۹	۱۹	۱/۷	۰/۶	۰/۱	۱/۵	۲/۰	۱/۰	۳/۰
۱۹-۲۰	۲۰	۲/۰	۰/۷	۰/۲	۱/۶	۲/۳	۱/۰	۳/۰
۲۰-۲۱	۲۰	۲/۱	۰/۸	۰/۲	۱/۷	۲/۵	۱/۰	۴/۰
۲۱-۲۲	۱۹	۲/۱	۰/۷	۰/۲	۱/۸	۲/۴	۱/۰	۳/۳
۲۲-۲۳	۲۰	۲/۴	۰/۶	۰/۱	1/2	۲/۶	۱/۳	۴/۰
۲۳-۲۴	۲۰	۲/۱	۰/۶	۰/۱	۱/۸	۲/۳	۱/۳	۴/۰
مجموع	۱۱۸	۲/۰	۰/۷	۰/۱	۱/۹	۲/۲	۱/۰	۴/۰

براساس جدول (۲)، میانگین نمرات شناخت دینی با افزایش سن به صورت خطی و یکنواخت افزایش نمی‌یابد، بلکه نوسان دارد. از سن ۱۸ تا ۲۱ سال، میانگین نمرات با شیب ملایمی به صورت افزایشی بوده است. در سن ۲۱ تا ۲۲ سالگی هیچ افزایش یا کاهشی گزارش نشده است. در سن ۲۲ تا ۲۳ سالگی میانگین‌ها روند افزایشی به خود گرفته است. میانگین نمره این گروه با عدد (۲/۴) بیشترین نمره در بین تمامی سنین می‌باشد. در نهایت از ۲۳ تا ۲۴ سالگی یعنی در پایان سن نمونه‌ها، کاهشی بودن میانگین نمره‌ها (۲/۱) را شاهد هستیم. در واقع بیشترین نمره مختص گروه سنی ۲۲ تا ۲۳ سالگی است که میانگین ۲/۴ را نشان داده و کمترین نمره هم مختص گروه سنی ۱۸ تا ۱۹ سالگی است که میانگین ۱/۷ را نشان می‌دهد.

۳-۳-۲. یافته‌های کمی مؤلفه معنابخشی دینی

میانگین نمره‌های مربوط به بُعد معنابخشی دینی، انحراف معیار و همچنین کمینه و بیشینه، به تفکیک هر گروه سنی در جدول (۳) نشان داده شده است. بُعد معنابخشی دینی در چهار مرحله از (۱ تا ۴) نمره‌گذاری گردید.

جدول ۳- نمرات توصیفی بُعد معنابخشی دینی

بازه سنی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	فاصله اطمینان		کمینه	بیشینه
					حد پایین	حد بالا		
۱۸-۱۹	۱۹	۲/۴	۰/۸	۰/۲	۲/۰	۲/۷	۱/۳	۴/۰
۱۹-۲۰	۲۰	۲/۵	۰/۷	۰/۲	۲/۲	۲/۸	۱/۳	۴/۰
۲۰-۲۱	۲۰	۲/۷	۰/۹	۰/۲	۲/۲	۳/۱	۱/۰	۴/۰
۲۱-۲۲	۱۹	۲/۵	۱/۰	۰/۲	۲/۰	۲/۹	۱/۰	۴/۰
۲۲-۲۳	۲۰	۲/۹	۰/۹	۰/۲	۲/۴	۳/۳	۱/۳	۴/۰
۲۳-۲۴	۲۰	۲/۷	۰/۷	۰/۲	۲/۴	۳/۱	۱/۰	۴/۰
مجموع	۱۱۸	۲/۶	۰/۸	۰/۱	۲/۴	۲/۷	۱/۰	۴/۰

براساس جدول (۳)، میانگین نمرات بُعد معنابخشی دینی با افزایش سن به صورت خطی افزایش نمی‌یابد و نوسان دارد. از ۱۸ تا ۲۱ سالگی روند افزایشی است؛ گروه ۱۸ تا ۱۹ سال با میانگین ۲/۴، کمترین نمره را دارد. از ۲۱ تا پایان ۲۲ سالگی روند کاهشی می‌شود. سپس در ۲۲ تا ۲۳ سالگی دوباره افزایشی بوده و این گروه با میانگین ۲/۹ بالاترین نمره را کسب کرده است. در نهایت از ۲۳ تا ۲۴ سالگی میانگین‌ها کاهش می‌یابد.

۳-۴. تحول شناخت ایمانی براساس میانگین داده‌ها

مراحل شناخت ایمانی براساس میانگین داده‌ها و با استفاده از آزمون تحلیل واریانس استخراج شده است. در این بخش، جزئیات تحلیل واریانس در هر دو بُعد «شناخت دینی» و «معنابخشی دینی» ارائه شده است.

۳-۴-۱. مؤلفه شناخت دینی

با استفاده از تحلیل واریانس آنووا، داده‌های بُعد شناختی مورد تحلیل قرار گرفت. نتیجه تحلیل واریانس بُعد شناختی در جدول (۴) آمده است.

جدول ۴- نتایج تحلیل واریانس آنووا بُعد شناختی

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
۴/۰۹۳	۵	۰/۸۱۹	۱/۷۸۷	۰/۱۲۱
۵۱/۳۰۱	۱۱۲	۰/۴۵۸		
۵۵/۳۹۵	۱۱۷			

براساس نتایج مندرج در جدول (۴)، تحلیل واریانس نشان می‌دهد که بین گروه‌های سنی در بُعد

شناختی تفاوت معناداری وجود ندارد؛ زیرا سطح معناداری بیش از ۰/۰۵ است. این یافته بیانگر آن است که با افزایش سن، نمرات شناخت دینی تغییر چشمگیری ندارند و روند صعودی یا نزولی مشخصی مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر، تحول دینداری در میان افراد نمونه با افزایش سن، تنها با شدت و ضعف جزئی همراه بوده و تفاوت سنی تأثیر قابل توجهی بر بُعد شناختی ندارد.

۳-۴-۲. مؤلفه معنابخشی دینی

با استفاده از آزمون تحلیل واریانس، داده‌های مربوط به بُعد «معنابخشی دینی» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج این تحلیل در جدول (۵) آمده است.

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس آنووا بُعد معنابخشی دینی

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۵	۰/۶۶۷	۰/۹۵۳	۰/۴۵۰
داخل گروه	۱۱۲	۰/۷۰۰		
مجموع	۱۱۷			

نتایج مندرج در جدول (۵) نشان می‌دهد که تحلیل واریانس تفاوت معناداری بین گروه‌های سنی در بُعد معنابخشی دینی نشان نمی‌دهد؛ زیرا سطح معناداری بیش از ۰/۰۵ است. بر همین اساس، افزایش سن تأثیر چشمگیری بر نمرات معنابخشی دینی ندارد و الگوی مشخصی از رشد صعودی یا نزولی مشاهده نمی‌شود. بنابراین، تفاوت‌های سنی به اندازه‌ای نیست که بیانگر قرار گرفتن گروه‌ها در مراحل متفاوت معنابخشی باشد و تحول دینداری با افزایش سن تنها با شدت و ضعف جزئی همراه است.

۳-۵. تحول شناخت ایمانی براساس فراوانی داده‌ها

در این بخش، توزیع فراوانی داده‌های مربوط به دو بُعد «شناخت دینی» و «معنابخشی دینی» به ترتیب در جداول (۶) و (۷) بررسی می‌شود. با تحلیل داده‌های کمی جمع‌آوری شده از نمونه‌های آماری، وضعیت پراکندگی و فراوانی این دو متغیر تبیین می‌گردد.

جدول ۶- فراوانی و درصد نمره‌های بُعد شناختی براساس درجه‌بندی داوران

نمره	دامنه	تعداد	درصد
۱	۱/۶-۱	۳۷	۳۱/۳
۲	۲/۶-۲	۶۰	۵۰/۸
۳	۳/۳-۳	۱۷	۱۴/۴
۴	۴	۴	۳/۴

براساس جدول (۶)، بیشترین فراوانی بُعد «شناخت دینی» به نمره ۲ (۸/۵۰٪) اختصاص دارد که نشان‌دهنده استقرار عمده آزمودنی‌ها در مرحله شناخت عرفی/استدلالی است. ۳/۳۱٪ شرکت‌کنندگان نمره (۱) را کسب کرده‌اند که بیانگر سطح شناخت کاملاً عرفی بوده و درصدی قابل‌توجه محسوب می‌شود. در مقابل، تنها ۴/۱۴٪ افراد در مرحله سوم (شناخت استدلالی اولیه) و ۴/۳٪ در مرحله چهارم (شناخت استدلالی پیشرفته) قرار دارند. این یافته‌ها حاکی از آن است که در جامعه مورد مطالعه، شناخت دینی عمدتاً در سطوح ابتدایی و عرفی متمرکز بوده و تعداد افراد دارای سطوح پیشرفته بسیار محدود است.

جدول ۷- فراوانی و درصد نمره‌های بُعد معنابخشی دینی براساس درجه‌بندی داوران

نمره	دامنه	تعداد	درصد
۱	۱-۶/۱	۲۳	۵/۱۹
۲	۲-۶/۲	۳۵	۶/۲۹
۳	۳-۶/۳	۵۱	۲/۴۳
۴	۴	۹	۶/۷

براساس جدول (۷)، بیشترین فراوانی در بُعد «معنابخشی دینی» متعلق به نمره ۳ است که ۲/۴۳٪ آزمودنی‌ها را شامل می‌شود. نمرات تقریبی ۲ و ۱ به ترتیب ۶/۲۹٪ و ۵/۱۹٪ از افراد را به خود اختصاص داده‌اند. تنها ۶/۷٪ شرکت‌کنندگان نمره ۴ را کسب کرده‌اند که نشان‌دهنده تعداد اندک افراد با بالاترین سطح معنابخشی دینی در این جامعه آماری است.

۴. نتیجه‌گیری

نتایج بدست آمده در حوزه شناخت دینی، نشان داد که آزمودنی‌ها خداوند را به عنوان موجودی مادی تصور نکرده‌اند و همگی او را متعالی و نامحدود دانسته‌اند. در کنار این، باور به علم و قدرت نامحدود خداوند، در تمامی پاسخ‌ها دیده می‌شود. افراد معتقدند که خداوند همان‌گونه که جهان را با عظمت خلق کرده است، توانایی و علم بی‌پایانی نیز دارد. از سویی بخش قابل‌توجهی در این بازه سنی از بیان استدلال دقیق جهت درونی‌سازی باورهای شناختی خود عاجزند. آنان باورهای خود را نوعاً به صورت تقلیدی و عرفی به دست آورده‌اند. در حوزه معنابخشی دینی، نتایج نشان می‌دهد که در این دوره سنی، سطح و ثبات معنابخشی در میان جوانان متفاوت است. بیشتر افراد در مسیر پذیرش و درک مفاهیم مرتبط با هدف آفرینش، دچار ابهام و تردید هستند. از سویی، آگاهی کافی در خصوص برنامه هدایتی خداوند (نقش انبیاء و ائمه) و ضمانت اجرایی فرامین الهی دیده می‌شود که نشان‌دهنده پذیرش نظام عملی دین و

خسارت ناشی از عدم تمکین است. افراد ضمن باور به هدفمند بودن خلقت، اغلب درکی کلیشه‌ای یا تقلیدی از فلسفه آفرینش دارند. در حوزه ارتباط با خدا نیز، دیدگاه غالب، پذیرش پیامبران و امامان به عنوان راهنمایان بشریت است. با این حال، شناخت دقیق این مفاهیم محدود بوده و بخش اندکی از جامعه هدف، نسبت به نتایج پیروی نکردن از هادیان الهی بی‌تفاوتند. فولر چهارمین مرحله از تحول ایمان را «ایمان تفردی- تأملی»^۱ اوائل بزرگسالی می‌نامد که در آن افراد توانایی استدلال انتقادی و بازسازی هویت دینی خود را کسب می‌کنند. در این مرحله، فرد دیگر همچون دوران کودکی و نوجوانی باورهای کلیشه‌ای و تقلیدی را نمی‌پذیرد، بلکه بر پایه فهم و استدلال‌های شخصی، باورهای معنادار و مستحکم تشکیل می‌دهد (نقل از: نوذری، ۱۴۰۱، ص ۱۲۰). این پژوهش با استناد به نظریه فولر نشان می‌دهد که جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله در مراحل مختلف تحول ایمانی قرار دارند. بخشی از این جوانان به مرحله «ایمان تفردی- تأملی» رسیده‌اند و باورهای دینی خود را با استدلال، درونی کرده‌اند. با این حال، بخش قابل توجهی در مراحل پیشین، همچنان باورهای تقلیدی یا عرفی دارند و در مسیر رسیدن به ثبات شناختی و معنابخشی دینی در تکامل هستند. با توجه به اینکه شناخت ایمانی تلفیقی از شناخت، ارزش‌گذاری و تعهد است (نوذری، ۱۳۸۹)، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که در این بازه سنی، بسیاری از افراد با شناخت ناکافی در حوزه باورهای خود و همچنین عدم ارزش‌گذاری دقیق، مواجه هستند. تحلیل پاسخ‌های جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله نشان می‌دهد که آن‌ها در سطوح متفاوتی از شناخت ایمانی قرار دارند. این پراکندگی، از سطوح ضعیف تا عالی، بیانگر فرآیند در حال گذار و مسیر تکاملی ایمان در این گروه سنی است. با وجود برخورداری از ثبات نسبی در باور به خدا، مشاهده تفاوت‌های فردی و نوسان در نمرات شناختی در تمامی بازه‌های سنی حاکی از آن است که این افراد هنوز به ثبات مطلق و یکپارچه‌ای در شناخت ایمانی نرسیده‌اند؛ به عبارتی، بلوغ ایمانی جریانی پویاست که در این سنین همچنان در مسیر توسعه و پایداری کامل قرار دارد. همچنین نوذری معتقد است در پایان مرحله «آغاز جوانی» (بین ۱۷ و ۲۲ سالگی)، فرد به مرحله‌ای می‌رسد که در آن، «ایمان استدلالی و خودمختارانه با ثبات نسبی» شکل می‌گیرد. در این دوره، امکانات شناختی، عاطفی و هیجانی لازم برای درک خدا و رسیدن به یک جهان‌بینی الهی، تجربه احساس ایمانی و عمل بر پایه انگیزه‌های درونی فراهم می‌شود. از سویی این ایمان، تا حدی تثبیت شده و پایدار است (نوذری، ۱۳۸۹). با توجه به اینکه تحقیقات نوذری نشان دهنده ایمان استدلالی و خودمختارانه، با ثبات نسبی در این گستره سنی است، نتایج تحقیق حاضر نشان داد، بخشی از افراد در

این بازه سنی به چنین سطحی از ایمان به طور کامل دست یافته‌اند. افراد در این سن، برای اثبات باورهای ایمانی خود، به‌طور مؤثری از استدلال‌های متقن و براهین منطقی استفاده می‌کنند. این امر حاکی از درونی‌سازی یک چارچوب منطقی از مبانی شناخت ایمانی در نظام فکری این گروه سنی است.

یافته‌ها نشان می‌دهند که ایمان استدلالی و خودمختارانه در جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله، با وجود نوسانات در شناخت ایمانی، از ثبات نسبی برخوردار است. این بدان معناست که اگرچه برخی افراد در این گروه سنی به سطوح بالاتری از درک و باور ایمانی دست یافته‌اند، اما شناخت ایمانی در همه افراد، به طور کامل تثبیت نشده است. افزایش سن به تنهایی منجر به افزایش سطح شناخت ایمانی نمی‌شود و باورهای دینی در این دوره سنی همچنان در حال تحول و نوسان بوده و ثبات نسبی را تجربه می‌کنند. همچنین نوسانات موجود در این گستره سنی و وجود نوعی ثبات نسبی در شناخت ایمانی آنان، نشان‌دهنده آن است که شناخت ایمانی افراد در این بازه سنی، امکان تغییر و تحول در باورهای آنان محتمل است. در واقع حوزه شناخت افراد در این گستره سنی، -هرچند برخی در سطح ایمانی بالا قرار دارند- به حدی از رشد و کمال به طور کامل نرسیده است که باورهای ایشان دستخوش تغییرات نشده و با ثبات کامل باشد. از طرفی وجود درصد افرادی که در این بازه سنی، باورهای عرفی و سطحی دارند، بیش از افراد دارای شناخت ایمانی کامل است. این امر نشان‌دهنده آن است که عوامل مختلفی در شکل‌گیری و ارتقای شناخت ایمانی افراد جامعه مؤثرند. از سویی نیز ضعف متولیان امر، در گسترش سطح دینداری جوانان در این بازه سنی در دو بُعد شناختی و معنابخشی دینی کاملاً مشهود است. برخی از پژوهشگران معتقدند که سن، به تنهایی معیار مناسبی برای سنجش و رشد دینداری نیست. کلدن و فیسر-لیشترفلد (۲۰۰۶) بر مبنای نظریه‌ای روان‌شناختی، رویکردی در طول کل زندگی ارائه می‌دهند. این دیدگاه بیان می‌کند که با افزایش سن، تاثیر وراثت بر شخصیت افراد کاهش می‌یابد؛ در مقابل، عوامل فرهنگی در مراحل بعدی زندگی نقش مهم‌تری در شکل‌گیری و تغییر دینداری ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، حضور و نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در طول زندگی فرد، تاثیر زیادی بر مسیر رشد دینی و باورها دارد (به نقل از: نوذری، ۱۴۰۱). براساس یافته‌های پژوهش حاضر، نظریه تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر رشد شناخت ایمانی، تقویت می‌شود. در واقع، این نظریه نشان می‌دهد که سن، تنها عامل مؤثر در تحول شناخت ایمانی نیست و عوامل دیگری موجب تحول شناخت ایمانی می‌شوند. بنابراین، در بازه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال، تغییرات در سطح شناخت ایمانی افراد ممکن است شامل فراز و نشیب‌هایی باشد، اما این تغییرات ارتباط مستقیمی با افزایش سن ندارد. برعکس، عوامل مختلفی مانند محل زندگی، فرهنگ و جامعه در شکل‌گیری و تغییر نوع شناخت ایمانی افراد نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند. در مجموع، یافته‌های این

پژوهش حاکی از آن است که دینداری در حوزه شناخت و معنابخشی در این گروه سنی، در مراحل مختلفی قرار دارد و روندی تحول‌پذیر است. بنابراین، در جهت ارتقای سطح کیفیت شناخت ایمانی، تقویت سه مولفه شناخت، ارزش‌گذاری و تعهد در این بازه سنی بسیار مهم است. این روند نیازمند حمایت‌های آموزشی و تربیتی است تا مفاهیم دینی به صورت کامل در ذهن جوانان نهادینه شود و آنان بتوانند در مسیر رشد و اعتقاد، به مراحل بالاتر دست یابند. تقویت اعتماد و آگاهی جوانان نسبت به مفاهیم بنیادین دینی نقشی اساسی در عبور آنان از مراحل گذار ایمانی دارد. اگر آموزش‌های دینی با برنامه‌ریزی هدفمند و تبیین عمیق مفاهیم ارائه شود، روند رشد شناختی و معنوی جوانان تسریع شده و آنان می‌توانند فهمی پایدارتر و عمیق‌تر از باورهای دینی خود کسب کنند.

۵. محدودیت‌ها و پیشنهادات پژوهشی

محدودیت‌های اجرایی محقق و فرآیند دقیق و طاقت‌فرسای مصاحبه بالینی که به‌عنوان ابزار اصلی گردآوری داده‌ها به‌کار رفت، موجب شد تا نمونه آماری صرفاً به بازه سنی ۱۸ تا ۲۴ سالگی محدود گردد. از این‌رو، تعمیم نتایج حاصله در مورد ساختار تحول شناخت ایمانی به گروه‌های سنی دیگر، با محدودیت مواجه خواهد بود. ثانیاً، با توجه به آنکه تحقیق حاضر بر مبنای طرح تحولی مقطعی انجام شده و آزمودنی‌ها تنها در یک مقطع زمانی مورد مشاهده قرار گرفته‌اند، عدم بررسی دقیق فرآیند تحول طولی، یکی از محدودیت‌های این پژوهش محسوب می‌شود. به عنوان پیشنهاد پژوهشی، انجام پژوهش‌های طولی به‌منظور رصد دقیق‌تر و عمیق‌تر نوسانات و مراحل تحول ایمانی در دوره جوانی، مهم به نظر می‌رسد.

— منابع —

قرآن کریم

جان‌بزرگی، مسعود، (۱۳۸۶). دین در خلال تحول و شیوه‌های درمانگری مبتنی بر مذهب. در: روان‌شناسی: عرصه‌ها و دیدگاه‌ها.

حسین‌زاده، محمد (۱۳۸۹). معرفت دینی؛ عقلانیت و منابع. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
حیدری، مجتبی (۱۳۹۵). بررسی تجربی تحول ایمان به خدا در گستره سنی ۷ تا ۱۷ سال. رساله دکتری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۷). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: مؤسسه نشر آگه.
طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: نشر اسماعیلیان، ج ۱۵.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). *خودشناسی برای خودسازی؛ به سوی خودسازی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

نوذری، محمود (۱۳۸۹). بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان‌شناختی - دینی. رساله دکتری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

نوذری، محمود (۱۴۰۰). رویکرد اسلامی به مراحل تحول دینداری - تولد تا هجده سالگی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

نوذری، محمود (۱۴۰۱). *روان‌شناسی تحول دینداری*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

Clore, V. & Fitzgerald, J. (2002). An alternative view of faith development. *Journal of Adult Development*, 9(2).

Cosgrove, M. P. (1988). *Presuppositions of psychology*. In: D. G. Benner (Ed.), *Psychology and religion* (pp. 193-197). Grand Rapids, MI: Baker Book.

Elkind, D. (1970). The origins of religion in the child. *Review of Religious Research*, no.12, p. 35-42.

Fowler, J. W. (1981). *Stages of faith*. San Francisco, CA: Harper.

Genia, V. (1995). *Counseling and psychotherapy of religious clients: A developmental approach*. Westport, CT: Praeger.

Goldman, R. G. (1964). *Religious thinking from childhood to adolescence*. London: Routledge & Kegan Paul.

Kladen, T., & Lichterfeld, U. F. (2006). *Stage of lifespan? An alternative approach to religious development in adulthood*. Brill Online, xi, p. 96-116.